



Comparison of the level of deprivation of sexual tension in "Iranian" and "American-European" society and its relationship with anxiety, depression and motivation to progress.

Masoud. Hosseinpour¹, Mohammad Ali. Rahmani^{2*}, Mohammad Reza. Zarbakhsh Bahri³

1. PhD student, Department of Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.
3. Associate Professor, Department of Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article type

Original research

Pages: 194-208

Corresponding Author's Info

Email: m_rahmani@toniau.ac.ir

Article history:

Received: 2022/06/17

Revised: 2022/09/10

Accepted: 2022/09/21

Published online: 2022/10/02

Keywords:

Iranian archetype, sexual deprivation, depression, anxiety, motivation to progress.

ABSTRACT

Background and aim: One of the important aspects of the concept of health is mental health, and sexual health is not only a sign of mental health, but its disorder also strongly affects physical health. The purpose of this research was to compare the level of sexual tension deprivation in two Iranian and European-American societies and its relationship with the level of anxiety, depression and motivation to progress. **Methods:** This research was applied in a causal-comparative way after the event. For this purpose, 219 subjects aged 25 to 55, with secondary education levels and above, including 61 Iranian men and 51 women, and 50 men and 57 women from European-American countries, voluntarily answered the questionnaire. In this research, a researcher-made questionnaire to measure the severity of sexual deprivation factors, the motivation questionnaire for academic achievement by Hermans (1970), the depression questionnaire (Beck, 1978) and the social interaction anxiety scale (Matik et al., 1998) were used. Data were analyzed using multivariate analysis of variance (MANOVA) test. **Results:** Comparing the mean and standard deviation of the intensity of the factors that create sexual deprivation in the two research groups showed that the severity of these factors and as a result the level of said deprivation in the Iranian society is higher than the American-European society ($p < 0.01$). Also, the results of multivariate variance analysis showed that Iranian samples had higher scores in all components ($P < 0.01$). **Conclusion:** This type of deprivation is a product of ancient patterns and as a result of the unique Iranian culture, it has consequences in the insights and behaviors of the Iranian society and has no relation with the orders and values of the Islamic religion. The application of the findings of this research means the concepts obtained in long-term educational and cultural planning.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article:

Hosseinpour Zanozi, M., Rahmani, M. A., & Zarbakhsh Bahri, M. (2022). Comparison of the level of deprivation of sexual tension in "Iranian" and "American-European" society and its relationship with anxiety, depression and motivation to progress. *jayps*, 3(1): 194-208



مقایسه میزان محرومیت کشیدگی جنسی در جامعه «ایرانی» و «آمریکایی-اروپایی» و رابطه آن با اضطراب، افسردگی و انگیزه پیشرفت

مسعود حسین پور زنوزی^۱، محمدعلی رحمانی^{۲*}، محمدرضا زربخش بحری^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۲. استادیار گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۳. دانشیار گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی- پژوهشی	زمینه و هدف: یکی از جنبه‌های مهم مفهوم سلامت، سلامت روان است و در این میان سلامت جنسی نه تنها نشانه‌ای از سلامت روانی است، بلکه اختلال در آن سلامت بدنی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف این پژوهش، مقایسه میزان محرومیت کشیدگی جنسی در دو جامعه ایرانی و اروپایی-آمریکایی و رابطه آن با میزان اضطراب، افسردگی و انگیزه پیشرفت بود. روش پژوهش: این پژوهش از نوع کاربردی و به روش علی مقایسه‌ای پس رویدادی انجام گرفت. برای این منظور تعداد ۲۱۹ آزمودنی ۲۵ تا ۵۵ ساله، با سطوح تحصیلی متوسطه به بالا، شامل ۶۱ مرد و ۵۱ زن ایرانی و ۵۰ مرد و ۵۷ زن از کشورهای اروپایی-آمریکایی، به روش داوطلبانه به پرسشنامه پاسخ دادند. در این پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته سنجش شدت عوامل بسترساز محرومیت جنسی، پرسشنامه انگیزه پیشرفت تحصیلی هرمنس (۱۹۷۰)، پرسشنامه افسردگی (بک، ۱۹۷۸) و مقیاس اضطراب تعامل اجتماعی (ماتیک و همکاران، ۱۹۹۸) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) تحلیل شد. یافته‌ها: مقایسه میانگین و انحراف معیار شدت عوامل بسترساز محرومیت جنسی در دو گروه پژوهش نشان داد که میزان شدت این عوامل و در نتیجه میزان محرومیت مزبور در جامعه ایرانی، از جامعه آمریکایی-اروپایی بیشتر است ($p < 0/01$). همچنین نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که نمونه‌های ایرانی در تمام مؤلفه‌ها نمرات بیشتری داشتند ($p < 0/01$).
صفحات: ۱۹۴-۲۰۸	
اطلاعات نویسنده مسئول	
ایمیل: m_rahmani@toniau.ac.ir	
سابقه مقاله	
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷	
تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹	
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰	
واژگان کلیدی	
کهن‌الگوی ایرانی، محرومیت جنسی، افسردگی، اضطراب، انگیزه پیشرفت.	
نتیجه‌گیری: این نوع محرومیت محصول کهن‌الگوها و در نتیجه فرهنگ منحصر به فرد ایرانی است تبعاتی در بینش‌ها و رفتارهای جامعه ایرانی در برداشته و رابطه‌ای با دستورات و ارزش‌های دین اسلام ندارد. کاربرد یافته‌های این پژوهش، منظور نمودن مفاهیم به دست آمده در برنامه‌ریزی‌های بلند مدت آموزشی و فرهنگی است.	

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.
تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه‌نامه استناد به این مقاله

حسین پور زنوزی، م.، رحمانی، م.، ع. و زربخش بحری، م. ر. (۱۴۰۱). مقایسه میزان محرومیت کشیدگی جنسی در جامعه «ایرانی» و «آمریکایی-اروپایی» و رابطه آن با اضطراب، افسردگی و انگیزه پیشرفت. *دوفصلنامه مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان*، ۳(۱): ۲۰۸-۱۹۴.

مقدمه

کند، به جای آن به موضوعاتی می‌اندیشد که باعث می‌شود احساس خوبی داشته باشد. اما اخیراً به این دلیل که افراد از «بازگشت» خاطرات سرکوب شده خود خبر می‌دهند، و بر پایه این خاطرات مبادرت به رفتارهای ناکارآمد می‌کنند، امکان سرکوبی کامل مورد سؤال قرار گرفته است (سیکیوریا، دی‌لوز، دی‌دیوس، مارتینز و کنده، ۲۰۱۹).

انگیزه پیشرفت، یعنی گرایش به تلاش برای انتخاب فعالیت‌هایی که هدفش رسیدن به موفقیت یا دوری از شکست است (کودات، کودات و کودات، ۲۰۱۴). انگیزه پیشرفت عبارت است از گرایش فرد برای گذر از سدها، تلاش برای دست یابی به گونه‌ای برتری، و حفظ معیارهای سطح بالا، کسانی که انگیزه پیشرفت بالا دارند می‌خواهند کامل شوند و کارکرد خود را بهبود بخشند. آنان وظیفه شناس اند و ترجیح می‌دهند کارهایی را انجام دهند که چالش برانگیز باشد و به کاری دست بزنند که ارزیابی پیشرفتشان به گونه‌ای، خواه در مقایسه با پیشرفت دیگران یا خواه بر پایه ملاک‌های دیگر شدنی باشد. این افراد از عزت نفس برخوردارند، مسئولیت فردی را ترجیح می‌دهند و دوست دارند که به گونه‌ای ملموس از نتایج کار خودآگاه شوند (اسمیت، لوئیس، هاوثورن و هاجز، ۲۰۱۳).

بسیاری از قیودی که در جوامع مختلف احساس‌ها و سپس انگیزه‌ها و رفتارهای افراد را تحت تأثیر قرار داده و شکل می‌دهند، ناشی از قیودی هستند که تابوها در ذهن افراد جامعه ایجاد و در طول زمان تثبیت کرده‌اند. گاهی این قیود به اشتباه به دستورات دینی نسبت داده می‌شود، حتی اگر آن قیود به هیچ وجه در دستورات دینی آن جامعه وجود نداشته باشند. در واقع انتساب به دین، از سوی ناخودآگاه جامعه، برای حفظ ارزش‌های کهن‌الگویی، به طور اتوماتیک رخ می‌دهد. برای ما «تابو» بر دو معنای متضاد دلالت می‌کند. از یک طرف مفهوم «مقدس»، «مختص» و از سوی دیگر مفهوم «اضطراب انگیز»، «خطرناک»، «ممنوع» و «پلید» را می‌رساند. «قیود تابویی، اموری جدا از منهیات صرف مذهبی و اخلاقی است. محدودیت‌های

زنان در هر جامعه‌ای نیمی از جمعیت آن جامعه را تشکیل می‌دهند، مع‌الوصف بسیاری از تحقیقات در چند دهه گذشته نشان داده‌اند که جدا از سطح توسعه یافتگی جوامع، زنان هم به عنوان یک گروه اقلیت و هم به مثابه یک طبقه فرودست، وابسته و آسیب‌پذیر مطرح‌اند (مونتی‌مورو و سیفکین، ۲۰۱۴). یکی از جنبه‌های مهم مفهوم سلامت، سلامت روان است و در این میان سلامت جنسی نه تنها نشانه‌ای از سلامت روانی است، بلکه اختلال در آن سلامت بدنی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (پاری و لایت، ۲۰۱۴). تمایلات جنسی درونی‌ترین احساسات و عمیق‌ترین آرزوهای قلبی انسان‌ها در معنا بخشیدن به یک ارتباط است. اختلال فعالیت جنسی در زنان شایع است و در هر سنی، فرهنگی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بروز می‌کند و به طور وسیع بر کیفیت زندگی، اعتماد به نفس، خلق و خوی و ارتباط با همسر اثر می‌گذارد (بای-چینگ، ۲۰۱۵). عوامل متعددی موجب بروز اختلال جنسی^۱ در زنان می‌گردد. بعضی از این عوامل عبارتند از وضعیت سلامت عمومی فرد، اختلال روان‌شناختی، ابتلا به بیماری‌های مزمن فاکتورهای بین فردی و مسائل اجتماعی (پریرا، ناردی و سیلوا، ۲۰۱۳).

افسردگی یکی از شایع‌ترین عوامل روان‌شناختی مؤثر در بروز اختلال جنسی است. زنان بیشتر از مردان در معرض خطر افسردگی قرار دارند (کنوچارسکا، ۲۰۱۷، ضرابی و همکاران، ۱۳۹۹؛ سعادت و همکاران، ۱۳۹۹). افسردگی به دلیل زیست‌شناسی بر جنسیت تأثیر می‌گذارد. زنان و مردان هر دو به دلیل افسردگی می‌توانند در شروع رابطه جنسی و لذت بردن از آن دچار مشکل شوند. هنوز هم تفاوت‌هایی در تأثیر افسردگی بر زنان و مردان وجود دارد (ناسکیمنتو، مایا، ناردی و سیلوا، ۲۰۱۵). چنین تغییری در اثر عوامل محیطی و توسط مکانیزم‌های دفاعی روانی محقق می‌شود. اساسی‌ترین و متداول‌ترین مکانیزم‌ها برای تغییر دادن واقعیت‌های روانی، سرکوبی است. برای مثال، اگر فکر کردن به مسائل جنسی باعث شود که فرد احساس گناه

1. sexual disorder

مذکور به اوامر الهی منسوب نیستند، بلکه خودبخود پا گرفته‌اند. و آن‌چه تابوها را از نهی‌های اخلاقی متمایز می‌کند این است که در شمار قواعدی نیستند که به طور کلی بر ضرورت پرهیزکاری تکیه دارند. محرمات تابویی در حالی که برای ما غیرقابل فهم هستند از نظر کسانی که تحت سیطره آن‌ها زندگی می‌کنند، طبیعی جلوه می‌کند. وونت می‌گوید تابوها عبارت از کهن‌ترین مجموعه قوانین غیرمدون بشر هستند که از دین قدیمی‌تر و مربوط به دوران ماقبل مذهبی هستند (فروید، ۱۳۹۹).

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن جهت قابل توصیف است که می‌توانیم با ایجاد پذیرش، ابتدا در قشر تحصیل کرده و دانشگاهی و همچنین فلاسفه و مبلغین دینی و سپس سایر اقشار جامعه ایرانی، تکانه‌های ناهشیار ناشی از کهن‌الگوهای نادرست و بازدارنده را به حیطة هشیار ذهن جامعه انتقال دهیم. هشیارسازی ذهن جامعه نسبت به وجود تکانه‌هایی که طی هزاران سال منجر به تولید سنت‌ها و ایجاد محدودیت‌هایی در جامعه شده که مسبب بی‌انگیزگی و مانع رشد خلاقیت بوده و همچنان با استحکام تمام پابرجا هستند، می‌تواند فرهنگ جامعه را از ارزش‌های سرکوب‌گر و محدودگر به سوی فرهنگی با ارزش‌های علمی و دینی سوق داده، و از این طریق موجبات کاهش اضطراب، شکوفایی خلاقیت و بازگشت انگیزه پیشرفت در جامعه را فراهم آورد. چنانکه گفته شد تاریخچه و شرح ایجاد و بقای تابوهای کهن‌الگویی، اما ارتباط دو مسئله بالا به این صورت است که ارزش‌های کهن‌الگویی منشأ و خاستگاه شکل‌گیری تابوها هستند. تابوهای مذکور در ذهن جامعه موجب ایجاد بستری می‌شود که ماحصل آن عدم امکان دسترسی به جنس مخالف قبل از ازدواج دائم خواهد بود. این شرایط نیز به نوبه خود منجر به شیوع محرومیت کشیدگی جنسی و سپس عواقب روان‌شناختی و اجتماعی خاص برای افراد و نهایتاً جامعه می‌گردد. بنابراین هدف پژوهش حاضر، مقایسه میزان محرومیت کشیدگی جنسی در جامعه «ایرانی» و «آمریکایی - اروپایی» و رابطه آن با اضطراب، افسردگی و انگیزه پیشرفت بود.

روش پژوهش

طرح تحقیق از نوع علی مقایسه‌ای پس رویدادی بود. جامعه آماری شامل زنان و مردان ایرانی و اروپایی - آمریکایی بود. حجم نمونه عبارت بود از ۲۱۹ نفر آزمودنی ۲۵ تا ۵۵ سال با سطح تحصیلی متوسطه به بالا. از این جمعیت ۱۱۲ نفر از زنان و مردان ایرانی و ۱۱۷ نفر از زنان و مردان آمریکایی - اروپایی بودند که به صورت داوطلبانه در این پژوهش شرکت کردند. ملاک‌های ورود در پژوهش عبارت بودند از رضایت داوطلب برای شرکت در پژوهش، داشتن حداقل مدرک سیکل (ابتدای دوره متوسطه)، داشتن حداقل ۲۵ سال سن، ایرانی نبودن حتی یکی از والدین آزمودنی‌های خارجی و والدین آن‌ها. پرسشنامه‌های پژوهش با طراحی فرمی با استفاده از گوگل فرمز در دو نسخه به زبان‌های فارسی و انگلیسی تهیه گردید. لینک پرسشنامه‌ها برای افراد که در کشورهای ایران، آمریکا، کانادا، آلمان، فرانسه و انگلیس زندگی می‌کردند و در مشاغل مختلف دانشگاهی، اداری، کادر درمانی فعالیت می‌کردند، ارسال گردید. این لینک از طریق اپلیکیشن‌های واتساپ، تلگرام و ایمیل برای افراد ارسال شد. در راهنمای ابتدای پرسشنامه در هر دو نسخه فارسی و انگلیسی، توضیحات کامل در خصوص ملاک‌های ورود به پژوهش توضیح داده شد و همچنین توضیحات مربوط به نحوه پاسخگویی به سؤالات شرح داده شد. از افراد درخواست شد با دارا بودن ملاک‌های پژوهش و در صورت تمایل به شرکت در پژوهش، پرسشنامه‌ها را پاسخ دهند. سپس داده‌های به دست آمده از اجرای پژوهش که در گوگل جمع‌آوری شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه انگیزه پیشرفت تحصیلی هرمنس: پرسشنامه انگیزه پیشرفت تحصیلی توسط هرمنس در سال ۱۹۷۰ طراحی شده و تاکنون مورد استفاده قرار می‌گیرد و توسط تمنایی فر و همکاران به فارسی ترجمه شده است این پرسشنامه شامل ۲۹ جمله ناتمام است و به دنبال هر جمله چهار گزینه دارد. این گزینه‌ها بر حسب این که شدت انگیزه پیشرفت از زیاد به کم یا کم به زیاد باشد نمره دهی می‌شود. برخی سؤالات به صورت مثبت و برخی دیگر به صورت منفی می‌باشد و دامنه اختیار هر سؤال ۱ تا ۴ و

سؤالات ابتدا ۴۳ گویه بود که با انجام عملیات تحلیل عاملی، ۷ گویه از پرسشنامه حذف و روایی و پایایی پرسشنامه ۳۶ گوی‌های بعنوان فرم بلند به دست آمد. سپس برای تسهیل پاسخگویی شرکت کنندگان تعداد سؤالات به ۱۹ گویه کاهش و مجدداً محاسبات آماری انجام گرفت که در این مرحله نیز سؤالات ۳ و ۱۴ به این دلیل که همبستگی پایین‌تر از ۰/۳ با نمره کلی داشتند، در مرحله دوم از مدل خارج شدند. اجرای آلفای کرونباخ پس از حذف دو سؤال مذکور، بر روی ۱۷ گویه باقیمانده برابر با ۰/۸۲۳ برآورد گردید. مواردی که به عنوان عوامل بسترساز محرومیت جنسی در جامعه، برای تدوین گویه‌های پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفتند، و سؤالاتی در فرم کوتاه از این پرسشنامه که هر یک از این موارد را می‌سنجند به ترتیب عبارتند از: «تابوی تک همسری در طول عمر» سؤالات ۱ تا ۳، «تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم» سؤالات ۴ تا ۶، «تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر» سؤالات ۷ تا ۸، «ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف» سؤالات ۹ تا ۱۱، «تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع» سؤالات ۱۲ تا ۱۴، «ناپاک دانستن موضوعات جنسی» سؤالات ۱۵ تا ۱۷.

۴. **مقیاس اضطراب تعامل اجتماعی:** اضطراب تعامل اجتماعی عبارت است از داشتن اضطراب و نگرانی به هنگام داشتن تعامل اجتماعی با دیگران (ماتیک و همکاران، ۱۹۹۸). این مقیاس در سال ۱۹۹۸ توسط ماتیک و گلارک ساخته شده و دارای ۱۹ عبارت است و هدف آن بررسی و ارزیابی متغیر اضطراب تعامل اجتماعی است. این مقیاسی بر اساس طیف لیکرت است که از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری شده است (اصلاً = ۰، متوسط = ۳، زیاد = ۳، بسیار زیاد = ۴). عبارت‌های ۸ و ۱۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (اصلاً = ۴، کمی = ۳، متوسط = ۲، زیاد = ۱، بسیار زیاد = ۰). مجموع امتیازهای عبارت‌های هر زیرمقیاس نشان دهنده امتیاز فرد و مجموع کل امتیازهای فرد میزان اضطراب تعامل اجتماعی را نشان می‌دهد. پایایی این مقیاس در پژوهش ماتیک و گلارک (۱۹۹۸)، ۰/۸۸ به دست آمد. در این پژوهش نیز ضریب الفای کرونباخ این پرسشنامه، ۰/۷۶

دامنه تغییرات نمره کل سؤالات ۲۹ تا ۱۱۶ است. تفسیر آزمون نیز براساس نمره کل می‌باشد. بدین معنی که تمامی پرسش‌ها در جهت تعیین انگیزه پیشرفت بوده و معیار آن از ۱۱۶ محاسبه گردید. هرمنس برای برآورد روایی آزمون ضریب همبستگی دو پرسش آن را با رفتارهای پیشرفت گرا برآورد کرد ($r=0/88$). برای برآورد پایایی، دو روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی پس از گذشت ۳ هفته به کار گرفته شد که نتایج به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۵ بود (تمنایی فر و گندمی، ۱۳۹۰).

۲. **پرسشنامه افسردگی:** مقیاس افسردگی بک برای سنجش شدت افسردگی در سال ۱۹۷۸ توسط بک تدوین شده بود. این پرسشنامه در سال ۱۹۹۶ توسط بک، استیر و براون مورد تجدید نظر قرار گرفت. این مقیاس شامل ۲۱ ماده می‌باشد و هر ماده نمره‌ای بین ۰ تا ۳ می‌گیرد. هر یک از مواد این پرسشنامه یکی از علائم افسردگی را می‌سنجد، فتنی، بیرشک، عاطف وحید و دابسون (۱۳۸۲) مشخصات روان سنجی این پرسشنامه را در ایران بدین شرح گزارش نموده‌اند؛ ضریب فاصله یک هفته ۰/۹۱، ضریب همبستگی میان دو نیمه ۰/۸۹، ضریب بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۹۴، همبستگی آن نیز با پرسشنامه افسردگی بک ویرایش اول (بک و همکاران، ۱۹۹۶)، ۰/۹۳ بود.

۳. **پرسشنامه سنجش شدت عوامل بسترساز محرومیت کشیدگی جنسی در جامعه ایران:** ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با عنوان پرسشنامه سنجش شدت عوامل بسترساز محرومیت کشیدگی جنسی در جامعه ایرانی بود. این پرسشنامه ۱۷ گوی‌های، برای اندازه‌گیری شدت عواملی که بسترساز این نوع از محرومیت در جامعه هستند، بعنوان شاخصی برای سنجش میزان محرومیت مذکور ساخته شد. در ابتدا ۶ مورد از تابوهای که تمامی اقدار جامعه، به رغم سبک زندگی، تفاوت‌های خرده فرهنگی، اختلافات عقیدتی و تفاوت در نگرش مذهبی، به گونه‌ای متعصبانه و کاملاً مشابه، به آن‌ها پایبند هستند، شناسایی و سؤالاتی برای سنجش هر یک از این شش تابو طراحی شد. تعداد این

درصد) مردان و ۵۱ نفر (۴۵/۵۴ درصد) زنان، و ۱۰۷ نفر از زنان و مردان آمریکایی - اروپایی ۵۰ نفر (۴۶/۷۳ درصد) مردان و ۵۷ نفر (۵۳/۲۷ درصد) زنان، سن شرکت کنندگان که میانگین سن شرکت کنندگان ایرانی ۳۵/۹ که حداقل سن ۲۱ و حداکثر سن ۵۵، میانگین سن شرکت کنندگان آمریکایی - اروپایی ۳۶/۳ که حداقل سن ۲۲ و حداکثر سن ۵۷ و از لحاظ تحصیلات زنان و مردان ایرانی با تحصیلات سیکل - دیپلم - پایان کالج ۴۰ نفر (۳۵/۷۱ درصد)، فوق دیپلم - لیسانس ۵۰ نفر (۴۴/۶۴ درصد)، فوق لیسانس و دکتری ۶ نفر (۵/۳۶ درصد)، و افرادی که تحصیلاتشان را مشخص نکردن ۱۶ نفر (۱۴/۲۹ درصد)، و از لحاظ تحصیلات زنان و مردان آمریکایی - اروپایی با تحصیلات سیکل - دیپلم - پایان کالج ۲۹ نفر (۲۷/۱۰ درصد)، فوق دیپلم - لیسانس ۷۱ نفر (۶۶/۳۵ درصد)، فوق لیسانس و دکتری ۴ نفر (۳/۷۴ درصد)، و افرادی که تحصیلاتشان را مشخص نکردن ۳ نفر (۲/۸۱ درصد) بودند. شاخص‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار، کجی و کشیدگی در جدول (۱) گزارش شده است.

به دست آمد. برای بررسی شدت عوامل بستر ساز محرومیت کشیدگی جنسی در جوامع ایرانی از جامعه آمریکایی - اروپایی بیشتر است از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده شده است. قبل از اجرای آزمون تحلیل واریانس چند متغیره پیش فرض‌های (عدم همخطی میان متغیرهای وابسته (با استفاده از آزمون ضریب همبستگی متقابل بین متغیرها)، برابری واریانس‌های متغیرهای وابسته (با استفاده از آزمون لون)، همگنی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس (با استفاده از آزمون باکس) مورد بررسی قرار گرفت، که نتایج نشان داد که تمامی مفروضه‌ها (مانوا) رعایت شده است و پژوهشگر اجازه دارد از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده کند.

یافته‌ها

حجم نمونه در این تحقیق ۲۱۹ نفر آزمودنی ۲۵ تا ۵۵ سال با سطح تحصیلی متوسط به بالا از این جمعیت ۱۱۲ نفر از زنان و مردان ایرانی و ۱۰۷ نفر از زنان و مردان آمریکایی - اروپایی بودند. یافته‌های توصیفی بیانگر جنسیت شرکت کنندگان ۱۱۲ نفر از زنان و مردان ایرانی ۶۱ نفر (۵۴/۴۶

جدول ۱. شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	تعداد	کجی کشیدگی
تابوی تک همسری در طول عمر	۱/۸۰۴	۱/۱۱	۰	۳	ایرانی	-۰/۲۷۹ -۱/۳۴۶
تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	۱/۳۱	۰/۹۴	۰	۳	ایرانی	-۰/۷۸۱ -۰/۲۶۱
تابوی لزوم جداسازس دو جنس در طول عمر	۰/۶۲	۰/۷۲	۰	۲	ایرانی	-۰/۷۵۴ -۰/۷۳۶
ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف	۰/۶۱	۰/۷۲	۰	۲	ایرانی	-۰/۷۵۴ -۰/۷۳۶
تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع	۱/۴۵۵	۰/۹۵	۰	۳	ایرانی	-۰/۸۴۵ -۰/۲۶۰
ناپاک دانستن موضوعات جنسی	۱/۰۲	۰/۹۴	۰	۳	ایرانی	-۰/۶۴۱ -۰/۵۶۱
افسردگی	۱۳/۶۴	۳/۲۷	۷	۲۱	ایرانی	-۰/۰۴۱ -۰/۸۳۷
انگیزش پیشرفت	۸۵/۸۷	۴/۰۱	۷۷	۹۵	ایرانی	-۰/۵۶۵ -۰/۰۶۹
اضطراب تعامل اجتماعی	۳۹/۸۹	۸/۶۹	۱۶	۶۳	ایرانی	-۰/۷۵۴ -۰/۷۳۶
تابوی تک همسری در طول عمر	۰/۰۴۷	۰/۲۵۲	۰	۲	آمریکای - اروپایی	۰/۴۴۸ -۰/۹۸۵
تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	۰/۰۲۸	۰/۱۶۶	۰	۱	آمریکای - اروپایی	۰/۲۳۸ -۰/۸۰۰
تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر	۰/۰۹۳	۰/۲۹۲	۰	۱	آمریکای - اروپایی	۰/۱۴۲ -۰/۸۳۳
ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف	۰/۱۵۰	۰/۴۱	۰	۲	آمریکای - اروپایی	۰/۶۸۶ -۰/۸۰۴
تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع	۰/۳۰	۰/۴۶	۰	۱	آمریکای - اروپایی	۰/۶۸۶ -۰/۸۰۴
ناپاک دانستن موضوعات جنسی	۰/۱۰	۰/۳۶	۰	۲	آمریکای - اروپایی	۰/۶۷۵ -۰/۷۷۹
افسردگی	۱۵/۵۷	۲/۶۴	۹	۲۲	آمریکای - اروپایی	-۰/۴۶۹ -۰/۰۶۶
انگیزش پیشرفت	۹۹/۳۴	۵/۹۹	۹۰	۱۲۷	آمریکای - اروپایی	۰/۴۳۲ -۰/۸۱۲
اضطراب تعامل اجتماعی	۳۳/۸۹	۷/۴۴	۱۲	۵۶	آمریکای - اروپایی	۰/۱۴۶ -۰/۸۵۹

پیروی می‌کند، لذا می‌توان از آزمون پارامتریک استفاده کرد.

نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نشان داد مقدار سطح معنی داری متغیرها بزرگتر از ۰/۰۵ شده است که نشان دهنده آن است که متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای محرومیت کشیدگی جنسی با افسردگی و انگیزه پیشرفت									
متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تابوی تک همسری درطول عمر	۱	۰/۶۵**	۰/۲۳**	۰/۲۹**	۰/۳۱**	۰/۳۲**	۰/۲۴**	-۰/۵۷**	۰/۲۸**
تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	۱	۰/۶۴**	۰/۶۱**	۰/۵۳**	۰/۴۷**	۰/۱۹**	-۰/۵۸**	۰/۲۳**	
تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر	۱	۰/۸۸**	۰/۴۹**	۰/۵۶**	۰/۱۹**	-۰/۳۸**	۰/۲۵**		
-ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف	۱	۰/۴۹**	۰/۵۷**	۰/۲۰**	-۰/۳۲**	۰/۲۴**			
تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع	۱	۰/۶۹**	۰/۳۶**	-۰/۵۲**	۰/۳۹**				
ناپاک دانستن موضوعات جنسی	۱	۰/۳۶**	-۰/۴۷**	۰/۴۴**					
افسردگی	۱	۰/۲۵**	-۰/۵۱**						
انگیزش پیشرفت	۱	-۰/۲۹**							
اضطراب تعامل اجتماعی	۱								

** $P < 0.001$

یافته‌های جدول (۲) نشان داد که بین مؤلفه محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری درطول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با افسردگی و اضطراب در تعامل اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های جدول (۲) نشان داد که بین مؤلفه محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با انگیزش پیشرفت رابطه معنی داری وجود دارد؛ چرا که در سطح معناداری مشاهده شده ($Sig=0.001$) از مقدار خطای پیش بینی شده (۰/۰۱) کوچک‌تر می‌باشد. لذا با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان قضاوت نمود که رابطه مورد نظر در فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. همچنین با توجه به منفی بودن مقدار همبستگی می‌توان نتیجه گرفت که بین محرومیت کشیدگی جنسی

یافته‌های جدول (۲) نشان داد که بین مؤلفه محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری درطول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با افسردگی رابطه معنی داری وجود دارد؛ چرا که در سطح معناداری مشاهده شده ($Sig=0.001$) از مقدار خطای پیش بینی شده (۰/۰۱) کوچک‌تر می‌باشد. لذا با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان قضاوت نمود که رابطه مورد نظر در فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. همچنین با توجه به مثبت بودن مقدار همبستگی می‌توان نتیجه گرفت که بین محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف،

تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با انگیزش پیشرفت رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳. تحلیل حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره مقایسه مولفه‌های متغیر محرومیت کشیدگی جنسی زنان و مردان آمریکایی - اروپایی، زنان و مردان ایرانی

منبع پراش	مجموع مجذورات SS	درجه آزادی df	میانگین مجذورات MS	F	سطح معناداری P	اندازه اثر η^2
تابوی تک همسری در طول عمر	۱۱۶۸/۸۹۸	۱	۱۶۸/۸۹۸	۲۵۳/۷۳۵	۰/۰۰۰۵	۰/۵۳۹
خطا	۱۴۴/۴۴۵	۲۱۷	۰/۶۶۶			
تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	۹۰/۲۸۲	۱	۹۰/۲۸۲	۱۹۴/۱۰۳	۰/۰۰۰۵	۰/۴۷۲
خطا	۱۰۰/۹۷۸	۲۱۷	۰/۴۶۵			
تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر	۱۴/۹۴۶	۱	۱۴/۹۴۶	۴۸/۰۰۸	۰/۰۰۰۵	۰/۱۸۱
خطا	۶۷/۵۵۶	۲۱۷	۰/۳۱۱			
ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف	۱۱/۹۱۱	۱	۱۱/۹۱۱	۳۳/۹۶۴	۰/۰۰۰۵	۰/۱۳۵
خطا	۷۶/۰۹۹	۲۱۷	۰/۳۵۱			
تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع	۷۳/۱۶۳	۱	۷۳/۱۶۳	۱۲۹/۹۱۴	۰/۰۰۰۵	۰/۳۷۴
خطا	۱۲۲/۲۰۷	۲۱۷	۰/۵۶۳			
ناپاک دانستن موضوعات جنسی	۴۵/۸۲۰	۱	۴۵/۸۲۰	۸۸/۹۰۸	۰/۰۰۰۵	۰/۲۹۱
خطا	۱۱۱/۸۳۳	۲۱۷	۰/۵۱۵			

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد بین میانگین نمرات مولفه‌های محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) گروه زنان و مردان آمریکایی - اروپایی، زنان و مردان ایرانی که در تمام مولفه‌ها میانگین نمرات تمامی مولفه‌های محرومیت کشیدگی جنسی زنان و مردان ایرانی بیشتر از زنان و مردان آمریکایی - اروپایی است. برای بررسی رابطه بین محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) زنان و مردان آمریکایی - اروپایی، زنان و مردان ایرانی با افسردگی و انگیزه پیشرفت از آزمون رگرسیون چندگانه (گام به گام) استفاده شد.

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد بین میانگین نمرات مولفه‌های محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) گروه زنان و مردان آمریکایی - اروپایی، زنان و مردان ایرانی تفاوت معناداری از لحاظ آماری وجود دارد ($p < 0/01$) و با مقایسه‌های میانگین‌های مولفه‌های محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات

تملك جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاك دانستن موضوعات جنسی (X) پس از بررسی شاخص‌های كفايت مدل كه در جدول (۵) آمده است به ارائه مدل پردازش یافته پرداخته می‌شود.

جهت بررسی و ارائه مدل بین افسردگی (Y) با ابعاد محرومیت كشیدگی جنسی (تابوی تك همسری در طول عمر، تابوی الزام به حفظ بكارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و

جدول ۴. متغیرهای ورودی و خروجی با استفاده از رگرسیون گام به گام

مدل	متغیر مستقل وارد شده	متغیرهای خروجی	گام‌ها
۱	تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع ناپاك دانستن موضوعات جنسی	-	اول
۲	-	-	دوم

جدول ۵. شاخص‌های كفايت مدل					
گام‌ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف خطا	آماره دوربین واتسون
گام اول	۰/۳۶۸	۰/۱۳۵	۰/۱۳۱	۲/۹۱	۱/۶۱۱
گام دوم	۰/۳۹۸	۰/۱۵۸	۰/۱۵۱	۲/۸۸	

جنسی همبستگی چندگانه به (۰/۳۹۸) و ضریب تعیین به (۰/۱۵۸) و ضریب تعیین تعدیل شده به (۰/۱۵۱) افزایش یافته است. به عبارت دیگر براساس ضریب تعیین تعدیل شده (۱۵/۱) درصد تغییرات متغیر وابسته (افسردگی) و اضطراب در تعامل اجتماعی به وسیله دو متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاك دانستن موضوعات جنسی تبیین می‌شود.

همان‌طور كه از جدول (۴) برمی آید تحلیل رگرسیون تا ۲ مرحله پیش رفته است. مرحله اول متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع وارد مدل می‌شود كه میزان ضریب همبستگی آن با افسردگی برابر با (۰/۳۶۸) شده است. در این مرحله ضریب تعیین برابر (۰/۱۳۵) و ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۱۳۱) به دست آمده است. در گام دوم با وارد شدن دومین متغیر یعنی ناپاك دانستن موضوعات

جدول ۶. آزمون آنالیز واریانس جهت معنادار بودن رگرسیون

مدل	F	sig
تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع	۳۳/۸۲۵	۰/۰۰۰۱
ناپاك دانستن موضوعات جنسی	۲۰/۲۲۹	۰/۰۰۰۱

در جدول (۷) نیز معناداری ضرایب رگرسیونی به ترتیب ورود در مدل نشان داده شده است.

جدول (۶) حاکی از معنی دار بودن رگرسیون با توجه به $a > 001/0 = sig = 0/05$ برای ۲ مرحله است.

جدول ۷. معنادار بودن ضرایب رگرسیونی

مدل	مجموع مربعات	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد شده	t	sig	مفروضه هم خطی
	B	Std.Error	Beta			
مقدار ثابت	۱۵/۶۶۹					VIF Tolerance

۱	۱	۰/۰۰۰۱	۵/۸۱۶	۰/۳۶۸	۰/۲۰۹	۱/۲۱۷	تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع
						۱۵/۶۷۸	مقدار ثابت
۱/۹۶۵	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰۱	۲/۵۱۲	۰/۲۲۰	۰/۲۸۹	۰/۷۲۸	تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع
۱/۹۶۵	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰۱	۲/۴۲۳	۰/۲۱۲	۰/۳۲۱	۰/۷۷۸	ناپاک دانستن موضوعات جنسی

در جدول (۷) متغیرهایی وجود دارند که همه معنادار هستند، در نتایج برای قضاوت در مورد سهم تأثیر هر متغیر بر افسردگی به ستون ضرایب بتای استاندارد شده در مدل آخر (۲) توجه می‌کنیم. مشاهده می‌شود در هر ۲ مؤلفه موجود (تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) می‌توانند پیش بین مناسبی برای افسردگی باشند. همچنین متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، دارای بیشترین اثر است؛ زیرا به ازای یک واحد تغییر در متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع،

در جدول (۷) متغیرهایی وجود دارند که همه معنادار هستند، در نتایج برای قضاوت در مورد سهم تأثیر هر متغیر بر افسردگی به ستون ضرایب بتای استاندارد شده در مدل آخر (۲) توجه می‌کنیم. مشاهده می‌شود در هر ۲ مؤلفه موجود (تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) می‌توانند پیش بین مناسبی برای افسردگی باشند. همچنین متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، دارای بیشترین اثر است؛ زیرا به ازای یک واحد تغییر در متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع،

$$(۰/۷۷۸)(ناپاک دانستن موضوعات جنسی) + (۰/۷۲۸)(تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع) = افسردگی$$

تملک جنس مخالف، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی (X) پس از بررسی شاخص‌های کفایت مدل که در جدول (۸) آمده است به ارائه مدل پردازش یافته پرداخته می‌شود.

جهت بررسی و ارائه مدل بین‌انگیزه پیشرفت (Y) با ابعاد محرومیت کشیدگی جنسی (تابوی تک همسری درطول عمر، تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی لزوم جداسازی دو جنس در طول عمر، ضرورت رقابت جنسی و

جدول ۸. متغیرهای ورودی و خروجی با استفاده از رگرسیون گام به گام

مدل	متغیر مستقل وارد شده	متغیرهای خروجی	گام‌ها
۱	تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	-	اول
۲	تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع	-	دوم
۳	تابوی تک همسری درطول عمر	-	سوم

همان‌طور که از جدول (۹) بر می‌آید تحلیل رگرسیون تا ۳ مرحله پیش رفته است. مرحله اول متغیر تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم در مجامع وارد مدل می‌شود که میزان ضریب همبستگی آن با انگیزه پیشرفت برابر با (۰/۵۸۱) شده است. در این مرحله ضریب تعیین برابر با (۰/۳۳۸) و ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۳۳۵) به دست آمده است. در گام دوم با وارد شدن دومین متغیر یعنی

تابوی ظاهر شدن زنان درمجامع همبستگی چندگانه به (۰/۶۴۲) و ضریب تعیین به (۰/۴۱۲) و ضریب تعیین تعدیل شده به (۰/۴۰۶) افزایش یافته است. در گام سوم با وارد شدن سومین متغیر یعنی تابوی تک همسری در طول عمر همبستگی چندگانه به (۰/۶۹۸) و ضریب تعیین به (۰/۴۸۸) و ضریب تعیین تعدیل شده به (۰/۴۸۰) افزایش یافته است. به عبارت دیگر بر اساس ضریب تعیین تعدیل

شده (۴۸) درصد تغییرات متغیر وابسته (انگیزه پیشرفت) به وسیله سه متغیر (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، تابوی تک همسری در طول عمر) تبیین می‌شود.

جدول ۹. شاخص‌های کفایت مدل					
گام‌ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف خطا	آماره دوربین واتسون
گام اول	۰/۵۸۱	۰/۳۳۸	۰/۳۳۵	۶/۸۸	۱/۶۶۳
گام دوم	۰/۶۴۲	۰/۴۱۲	۰/۴۰۶	۶/۵۰	
گام سوم	۰/۶۹۸	۰/۴۸۸	۰/۴۸۰	۶/۰۸	

جدول ۱۰. آزمون آنالیز واریانس جهت معنادار بودن رگرسیون		
مدل	F	sig
تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	۱۱۰/۵۹۵	۰/۰۰۰۱
تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع	۷۵/۵۸۶	۰/۰۰۰۱
تابوی تک همسری در طول عمر	۶۸/۱۹۹	۰/۰۰۰۱

در قسمت جدول آنالیز واریانس برای دو مدلی که عنوان شد آورده شده است. جدول فوق حاکی از معنی دار بودن رگرسیون با توجه به $\alpha > 001/0 = sig = 0/05$ برای

جدول ۱۱. معنادار بودن ضرایب رگرسیونی						
مدل	مجموع مربعات B	ضریب غیراستاندارد Std.Error	ضریب استاندارد Beta	t	sig	مفروضه هم خطی
						VIF Tolerance
مقدار ثابت	۹۶/۰۳۳					
تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	-۵/۲۳۴	۰/۴۹۸	-۰/۵۸۱	-۱۰/۵۱۶	۰/۰۰۰۱	۱ ۱
مقدار ثابت	۹۷/۵۳۱					
تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	-۳/۷۰۲	۰/۵۵۴	-۰/۴۱۱	-۶/۶۶۷	۰/۰۰۰۱	۱/۳۹۰ ۰/۷۱۹
تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع	-۲/۸۶۲	۰/۵۴۹	-۰/۳۲۱	-۵/۲۱۷	۰/۰۰۰۱	۱/۳۹۰ ۰/۷۱۹
مقدار ثابت	۹۸/۵۷۱					
تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم	-۱/۴۹۰	۰/۶۵۰	-۰/۱۶۵	-۲/۲۹۲	۰/۰۰۰۱	۲/۱۸۵ ۰/۴۵۸
تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع	-۳/۰۱۸	۰/۵۱۴	-۰/۳۳۹	-۵/۸۷۳	۰/۰۰۰۱	۱/۳۹۵ ۰/۷۱۱
تابوی تک همسری در طول عمر	-۲/۵۵۶	۰/۴۵۲	-۰/۳۶۳	-۵/۶۴۳	۰/۰۰۰۱	۱/۷۳۸ ۰/۵۷۵

معادله رگرسیون را می‌توان با توجه به مدل ۲ به شرح زیر محاسبه کرد:

$$(-۳/۰۱۸) \text{ (تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع)} + (-۱/۴۹۰) \text{ (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم)} = \text{انگیزه پیشرفت} (-۲/۵۵۶) \text{ (تابوی تک همسری در طول عمر)} +$$

ایرانی نسبت به جامعه مورد سنجش مقابل، در محرومیت کشیدگی جنسی بیشتری زندگی می‌کنند. همچنین از طرفی در رابطه محرومیت کشیدگی جنسی در دو جامعه ایرانی و اروپایی-آمریکایی و رابطه آن با میزان افسردگی می‌توان گفت که مولفه‌های (تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، ناپاک دانستن موضوعات جنسی) با افسردگی با پیش بینی کننده مناسبی برای افسردگی است و (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، تابوی تک همسری در طول عمر) پیش بینی کننده مناسبی برای انگیزه پیشرفت است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که از آنجائی که در این پژوهش میزان محرومیت جنسی از طریق اندازه‌گیری شدت شش تابوی مهم در جامعه ایرانی سنجیده شده است، یک بار دیگر به نکته‌ای در مورد تابوها از زبان فروید توجه می‌کنیم: «قیود تابویی، اموری جدا از منهیات صرف مذهبی و اخلاقی است. محدودیت‌های مذکور به اوامر الهی منسوب نیستند، بلکه خودبه‌خود پا گرفته‌اند و آنچه تابوها را از نهی‌های اخلاقی متمایز می‌کند این است که در شمار قواعدی نیستند که به طور کلی بر ضرورت پرهیزکاری تکیه دارند و دلایل این ضرورت را مشخص می‌سازند. محرّمات تابویی، بر هیچ دلیلی مبتنی نیستند و منشأ آن‌ها مجهول است. تابوها در حالی که برای ما غیرقابل فهم هستند از نظر کسانی که تحت سیطره آن‌ها زندگی می‌کنند، طبیعی جلوه می‌کند. تابو عبارت از کهن‌ترین مجموعه قوانین غیرمدون بشر است که از دین قدیمی‌تر و مربوط به دوران ماقبل مذهبی هستند (فروید، ۱۳۹۹).

با در نظر گرفتن نکته فوق، پیش بینی ما این خواهد بود که جامعه ایرانی، گرایش افراطی به تبعیت از قیود تابویی (تابوهای شش گانه مورد سنجش در این پژوهش) داشته باشد، و البته تاریخ باستانی و سبک زندگی مردم در زمان حکومت مادها و هخامنشی می‌تواند شکل‌گیری و ماندگاری تابوها و سنت‌های کهن الگویی جامعه ایرانی را توجیه کند. یونگ می‌نویسد: کهن الگوها به روش خاصی تعدیل

در جدول (۱۱) متغیرهایی وجود دارند که همه معنادار هستند، در نتیجه برای قضاوت در مورد سهم تأثیر هر متغیر بر انگیزه پیشرفت به ستون ضرایب بتای استاندارد شده در مدل آخر توجه می‌کنیم. مشاهده می‌شود. در هر ۳ مؤلفه موجود (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، تابوی تک همسری در طول عمر) می‌تواند پیش بین مناسبی برای انگیزه پیشرفت باشند. همچنین متغیر تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، دارای بیشترین اثر است؛ زیرا به ازای یک واحد تغییر در متغیر تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، (۰/۵۸۱-) واحد تغییر در متغیر انگیزه پیشرفت ایجاد می‌شود. در نتیجه کلی با توجه به معنادار شدن رابطه بین مولفه‌های (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، تابوی تک همسری در طول عمر) با انگیزه پیشرفت با ۰/۹۹ احتمال این نتیجه به دست می‌آید که (تابوی الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم، تابوی ظاهر شدن زنان در مجامع، تابوی تک همسری در طول عمر) پیش بینی کننده مناسبی برای انگیزه پیشرفت است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، مقایسه میزان محرومیت کشیدگی جنسی در دو جامعه ایرانی و اروپایی-آمریکایی و رابطه آن با میزان افسردگی، اضطراب و انگیزه پیشرفت بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار شدت عوامل بسترساز محرومیت کشیدگی جنسی و مؤلفه‌های آن که به ترتیب عبارتند از تابوی «تک همسری در طول عمر»، تابوی «الزام به حفظ بکارت تا ازدواج دائم»، تابوی «ضرورت جداسازی دو جنس»، تابوی «ضرورت رقابت جنسی»، تابوی «ظاهر شدن زنان در مجامع» و تابوی «ناپاک دانستن موضوعات جنسی»، برای نمونه‌های ایرانی در همه موارد بیشتر از این مقادیر در نمونه‌های خارجی است و این بدان معناست که افراد جامعه

پس از داریوش مقام زن تنزل پیدا کرد و گوشه نشینی زمان حیض که بر ایشان واجب بود، رفته رفته ادامه پیدا کرد، سراسر زندگی اجتماعی ایشان را فرا گرفت و این امر، بخودی خود مبنای پرده پوشی مسلمانان به شمار می‌رود (دورانت و دورانت، ۱۳۸۰). در زمان ساسانیان که پس از نبوت زرتشت و قبل از ظهور اسلام است افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول بود (ضیاءپور، ۱۳۴۹). به گفته ویل دورانت در جلد اول از مجموعه تاریخ تمدن، تحت عنوان «مشرق زمین، گاهواره تمدن»، پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان، آمد و رفت کنند (حجاب رفتاری و گفتاری). زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و یا برادرشان را تنها ملاقات کنند. در نقش‌هایی که از ایران باستان به جا مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است (حجاب پوششی) (دورانت و دورانت، ۱۳۸۰). اندیشمندان در یک دسته‌بندی کلی، حجاب در آیین زرتشت را در سه نوع رفتاری، گفتاری و پوششی تقسیم‌بندی کرده‌اند، که از نظر نگارنده هنوز هر سه نوع با قوام قابل ملاحظه همچنان در جامعه ایرانی پابرجاست. تجلیات پوشش در میان زنان ایران آنچنان چشمگیر است که با بهره‌گیری از آثار تاریخی و اسناد باستان‌شناسی موجود در داخل کشور و نیز خارج از مرزهای فعلی که در زمانی بخشی از قلمرو حکومتی ایران بوده، همچون منطقه ارگیلی در ترکیه (یکی از ساتراپ‌های هخامنشیان) می‌توان با اطمینان عنوان داشت که ایران منبع اصلی ترویج حجاب در جهان بوده است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که زنان ایرانی در تمامی دوران‌های تاریخی شامل مادها، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، حجابی کامل داشته‌اند (شجاعی، معصومی و شجاعی، ۱۳۹۶).

در آموزه‌های دوران زرتشت به شدت تأکید شده که یک مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خودداری کند (سالنمای انجمن زرتشتیان تهران، ۱۳۷۲). زرتشت انسان را موجودی هوشمند و خردمند می‌داند که برای رسیدن به ارزش‌های

می‌شوند، و از آن پس دیگر محتویات ناخودآگاه نیستند بلکه به اشکال خودآگاهی تبدیل می‌شوند که سنت، آن‌ها را به دیگران می‌آموزد (یونگ، ۱۳۹۶). اگر صحت استنتاج فوق را بپذیریم، قاعدتاً اقشار مذهبی و غیرمذهبی ایرانی نیز در چنین گرایشاتی با صرف‌نظر از شکل سطحی و ظاهری در سبک زندگی هر یک و صرف‌نظر از رفتارهای برآمده از حیثه خودآگاه، نباید تفاوتی با یکدیگر داشته باشند. یعنی انتظار می‌رود هر دو قشر با استفاده از روش‌های محدود کننده، به طور یکسان در حیثه خانواده و جامعه عمل کنند. این مصادیق عینی در جامعه ایرانی، نه تنها موجود است، بلکه حتی در مواردی که نقض تابوها، به طور مشترک مورد تأیید دین اسلام و علم و دانش نوین باشد نیز، آشکارا در همه اقشار جامعه ایرانی، واپسرانی می‌شود. البته این واپسرانی و اجتناب تنها در مواردی است که آموزه‌های باستانی بر آن تأکید داشته‌اند که مؤلفه‌های شش‌گانه مورد سنجش در این پژوهش از مهمترین آن‌هاست.

با وجود اینکه این نوع از آموزه‌ها به صورت غیرمدون و نانوشته بوده و به نظر می‌رسد از طریق سنت‌ها منتقل می‌شوند (یونگ، ۱۳۹۶) می‌توانیم برخی از نمونه‌هایی که در متون تاریخی، علمی - پژوهشی، و یا منابع مذاهب باستانی هنوز در دسترس هستند را بیابیم. با کندوکاو در تاریخ ایران باستان و آثار بجای مانده از آن دوران که اغلب مردمان در آن کیش زرتشتی داشتند چنین به دست می‌آید که زنان ایران از دیرباز با صفاتی همچون «حجاب» و «اخلاق نیکو» و «پاکدامنی» تشویق و تکریم می‌شده و به این ترتیب این حقیقت روشن می‌شود که با ورود اسلام به ایران، حجاب وارد ایران نشده است بلکه بانوان ایران از قدیم الایام حجاب داشته‌اند (شهرزادی، ۱۳۵۷). جایگاه فرهنگی پوشش زنان که در ایران زمین با صفت «نجیب» تکریم می‌شدند به گونه‌ای بوده است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایارشا به ملکه «وشی» دستور داد که بدون پوشش موی سر و با تاج مخصوص ملکه به مجلس بزم بیاید تا حاضران، زیبایی او را شاهد باشند، وی امتناع نمود و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد و به خاطر این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد (فرهت قائم مقامی، ۱۳۵۵).

نسبت به وجود تکانه‌هایی که طی هزاران سال منجر به تولید سنتها و ایجاد محدودیت‌هایی در جامعه شده که مسبب بی‌انگیزگی و مانع رشد خلاقیت هستند. به نظر می‌رسد بازشناسی و تفکیک اینگونه تکانه‌های برآمده از کهن الگوها و افتراق آن‌ها از دستورات دینی و اخلاقی، در وهله اول باید در قشر فرهیخته و دانشگاهی رخ دهد زیرا این افراد می‌توانند با درک موضوع، گام‌های اولیه در انتقال مفاهیم ریشه‌ای چندهزار ساله بردارند و کهن الگوهایی که منشأ گرایش‌ها و بازدارنده‌های مخرب در جامعه ایرانی هستند و به اشتباه در جامعه به دین اسلام نسبت داده می‌شود را با زمینه سازی فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های تربیتی به تدریج به حیطة خودآگاه ذهن جامعه انتقال دهند.

موازين اخلاقي

در این پژوهش موازين اخلاقي شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند.

تشکر و قدردانی

در پایان از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم.

مشارکت نویسندگان

این مقاله مستخرج از رساله دکترای تخصصی نویسنده اول در واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران می‌باشد. موضوع رساله در شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم انسانی واحد تنکابن در تاریخ ۱۳۹۹/۵/۱۴ با کدرهگیری ۱۶۲۲۷۹۳۶۲ به تصویب کمیته تخصصی گروه مربوطه رسید.

تعارض منافع

نویسندگان اظهار می‌دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

انسانی (عفت ظاهری و باطنی) و دوری از خصلت‌های حیوانی (امور جنسی) تلاش می‌کند. شریعت زرتشت، بر سه اصل اساسی، «اندیشه نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» استوار گشته است. موبدان در تفسیر اندیشه و کردار نیک می‌گویند: «یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید» (شهرزادی، ۱۳۵۷). البته پلید دانستن زنان و ناپاک دانستن موضوعات جنسی تنها در زروان و زرتشت نبوده است، بلکه در تمامی ادیان، به استثنای دین اسلام چنین دیدگاهی را به وضوح داریم. برتراند راسل در کتاب زناشویی و اخلاق مطلبی آورده که علاوه بر موضوع گفته شده، اشاره‌ای هم به نقش ایران باستان در ترویج چنین دیدگاهی در جهان دارد: «در قطعاتی که به کتاب مقدس مسیحیان نسبت می‌دهند، تلقی مُرتاضانه‌ای نسبت به زن مشاهده می‌شود. البته هواخواهان فلسفه نوبین افلاطونی نیز دست کمی از مسیحیان ندارند. این عقیده که جنس مؤنث چیز زشت و پلیدی است، از ایران به مغرب زمین رسید و با خود این عقیده را آورد که رابطه جنسی چیز ناپاک و کثیفی است. همین نظر در حد متعارف خود تلقی و نقطه نظر کلیسا نیز هست...» (راسل، ۱۹۲۹). یونگ می‌نویسد: انسان می‌تواند کاملاً مطمئن باشد که هیچ گونه عقیده مذهبی ندارد، اما هیچکس نمی‌تواند آنقدر از طبیعت انسانی دور گردد که هیچ نوع نمود جمعی غالبی نداشته باشد. با شناختی که ما از انسان داریم، پی برده‌ایم که او همیشه و همه جا تحت تأثیر عقاید غالب است. اگر کسی ادعا کند که از این قاعده مستثنی است، بلافاصله باید حدس زد که او چهارچوب شناخته شده باورهای رایج را تنها در ظاهر، با قالبی دیگر که برای خودش و دیگران چندان شناخته شده نیست عوض کرده است. مثلاً به جای خداشناسی خود را وقف کفر ورزیدن کرده است. یا بجای دیونیوس، میتراس را که مدرن‌تر است برگزیده است. کهن الگویی که در پس باوری مذهبی وجود دارد مانند سایر غرایز، انرژی مخصوصی دارد که حتی اگر ذهن خودآگاه هم آن را نادیده بگیرد، ناخودآگاه آن انرژی را از دست نمی‌دهد (یونگ، ۱۳۹۶).

کاربرد نتایج این پژوهش آنجاست که بتوانیم تکانه‌های ناهشیار ناشی از کهن الگوهای نادرست و بازدارنده را به حیطة هشیار انتقال دهیم. هشیارسازی ذهن جامعه

منابع

- تمنایی فر، محمدرضا، گندمی، زینب. (۱۳۹۰). رابطه انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان. *فصلنامه راهبردهای آموزش*، ۱۴(۱)، ۱۵-۱۹.
- دورانت، آریل، دورانت، ویلیام جیمز. (۱۳۸۰). *تاریخ تمدن، مشرق زمین: گاهواره تمدن*. ترجمه احمد آرام. امیرحسین آریانپور و عسکری پاشایی، تهران: چاپ سوم. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- سالنمای سال ۱۳۷۲ زرتشتیان. (۱۳۷۲). تهران: چاپ انجمن زرتشتیان.
- سعادت، نادره، برنجی، سحر، آقازارتی، علی. (۱۳۹۹). بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری مادران در پیش‌بینی مشکلات رفتاری نوجوانان. *دوفصلنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان*، ۱(۱): ۶۹-۶۱.
- شجاعی، فاطمه، معصومی، نسرين، شجاعی، صغری. (۱۳۹۶). درآمدی بر تاریخ حجاب زنان در فرهنگ ایران. *مجموعه مقالات همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب، تهران*.
- شهرزادی، رستم، مؤبد، مؤبدان. (۱۳۵۷). *دین و دانش*. تهران: انجمن زرتشتیان تهران.
- ضرابی، ساسان، باغدادساریانس، آنیتا، گلشنی، فاطمه، و امامی پور، سوزان. (۱۳۹۹). اثربخشی روش اصلاح سوگیری توجه، با استفاده از تصاویر جلوه‌های هیجانی صورت بر تنظیم هیجانی. *دوفصلنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان*، ۱(۱): ۹۲-۸۱.
- ضیاءپور، جلیل. (۱۳۴۹). *پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- فتی، لادن، بیرشک، بهروز، عاطف وحید، محمدکاظم، دابسون، کیت. (۱۳۸۲). *ساختارهای معناگذاری، حالت‌های هیجانی، و پردازش شناختی اطلاعات هیجانی*، مقایسه دو چارچوب مفهومی. رساله چاپ نشده برای دریافت درجه دکترای روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران، دانشگاه تهران، علوم زشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ایران.
- فروید، زیگموند. (۱۳۹۹). *توتم و تابو*. ترجمه ایرج پورباقر. تهران: طهوری. (۱۳۹۹).
- فرهت قائم مقامی، ابوالقاسم. (۱۳۵۵). *آزادی یا اسارت، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی زن*. تهران: انتشارات جاویدان.
- ویلیام راسل، برتراند. (۱۳۴۷). *زن‌اشویی و اخلاق*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نشر اندیشه.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۹۶). *ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو*. ترجمه فرناز گنجی و محمدباقر اسمعیل‌پور. تهران: جامی.
- Bay-Cheng, L. Y. (2015). Living in metaphors, trapped in a matrix: The ramifications of neoliberal ideology for young women's sexuality. *Sex Roles*, 73(7), 332-339.
- Beck, A. T., Steer, R. A., & Brown, G. K. (1996). *Manual for the BDI-II*. San Antonio, TX: The Psychological Corporation.
- Christ, C. P. (2016). A new definition of patriarchy: Control of women's sexuality, private property, and war. *Feminist Theology*, 24(3), 214-225.
- E Siqueira-Campos, V. M., Da Luz, R. A., de Deus, J. M., Martinez, E. Z., & Conde, D. M. (2019). Anxiety and depression in women with and without chronic pelvic pain: prevalence and associated factors. *Journal of Pain Research*, 12, 1223.
- Hermans HJ. (1970), A questionnaire measure of achievement motivation, *J Appl Psychol*. 1970 Aug;54(4):353-63.
- Kodate, N., Kodate, K., & Kodate, T. (2014). Paving the way and passing the torch: mentors' motivation and experience of supporting women in optical engineering. *European Journal of Engineering Education*, 39(6), 648-665.
- Kucharska, J. (2017). Sexual and non-sexual trauma, depression and self-esteem in a sample of polish women. A cross-sectional study. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 24(1), 186-194.
- Montemurro, B., & Siefken, J. M. (2014). Cougars on the prowl? New perceptions of older women's sexuality. *Journal of Aging Studies*, 28, 35-43.
- Nascimento, E. R., Maia, A. C. O., Nardi, A. E., & Silva, A. C. (2015). Sexual dysfunction in arterial hypertension women: the role of depression and anxiety. *Journal of affective disorders*, 181, 96-100.
- Parry, D. C., & Light, T. P. (2014). Fifty shades of complexity: Exploring technologically mediated leisure and women's sexuality. *Journal of Leisure Research*, 46(1), 38-57.

- Pereira, V. M., Nardi, A. E., & Silva, A. C. (2013). Sexual dysfunction, depression, and anxiety in young women according to relationship status: an online survey. *Trends in psychiatry and psychotherapy*, 35, 55-61.
- Smith, J. L., Lewis, K. L., Hawthorne, L., & Hodges, S. D. (2013). When trying hard isn't natural: Women's belonging with and motivation for male-dominated STEM fields as a function of effort expenditure concerns. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 39(2), 131-143.

